

جستاری جامعه‌شناختی
درباره استقلال میدان موسیقی ایرانی
بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه. ش

پژوهشگر

حسن خیاطی

انتشارات سرود

سرشناسه : خیاطی، حسن
 عنوان و نام پدیدآور : جستاری جامعه‌شناختی درباره استقلال میدان
 موسیقی ایرانی بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه. ش.
 پژوهشگر حسن خیاطی.
 تهران: سرود، ۱۳۹۸.
 ۲۹۶ ص: نمودار.
 شابک : 978-964-8626-45-2
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : موسیقی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
 Music -- Social aspects -- Iran : موضوع
 موسیقی‌دانان ایرانی -- قرن ۱۴ : موضوع
 Musicians -- Iran -- 20th century : موضوع
 موسیقی -- ایران -- تاریخ و نقد : موضوع
 Music-- Iran -- History and criticism : موضوع
 موسیقی ایرانی -- جنبه‌های اجتماعی : موضوع
 Music, Iranian -- Social aspects* : موضوع
 رده‌بندی کنگره : ML ۳۴۴
 رده‌بندی دیویی : ۷۸۹/۰۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۸۹۴۲۸

انتشارات سرود
 تهران - میدان هفتم تیر - ابتدای بهارشیراز - شماره ۱۴
 تلفن: ۸۸۸۳۶۱۰۴ و ۸۸۲۱۸۵۹۱-۲ - دورنگار: ۸۸۳۰۸۹۲۴

جستاری جامعه‌شناختی
 درباره استقلال میدان موسیقی ایرانی
 (بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ه. ش.)
 حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی : مهرداد گرگین‌زاده
 طرح جلد : فرنوش فصیحی
 چاپ : پردیس‌دانش
 صحافی : خلیج‌فارس
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۰
 تیراژ : ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۲۶-۴۵-۲ ISBN: 978-964-8626-45-2

حق چاپ و نشر برای انتشارات سرود محفوظ است.
 قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

www.sorood.ir

پیش‌گفتار

پیش‌فرض ذهنی نگارنده همیشه این بود که سامان جامعه ایرانی پیش و پس از مشروطه تفاوت‌هایی اساسی با هم داشته‌اند. به زبانی ساده، و شاید ساده‌انگارانه، پیش از مشروطه ساحتی از جامعه که برای احوال اجتماعی اهل هنر موسیقی اساسی است به شکل درباری است که سامان اجتماعی اهل موسیقی حول آن قرار گرفته است؛ همچون یک دایره با دربار در مرکز آن. ظواهر امر نشان می‌داد که انقلاب مشروطه و رویدادهای منتهی به آن این سامان را دگرگون کرد. پرسش نگارنده همیشه این بود که این دگرگونی چه ویژگی‌ای داشت و چه بر سر سامان اجتماعی هنر موسیقی آورد. جستار حاضر تلاشی است برای پاسخگویی به همین پرسش. تلاش شده است با کاربرد نظریه و رجوع به واقعیت‌های تاریخی از ورطه ساده‌انگاری دور بمانیم. در همین باره، برای ردیابی احوال اجتماعی اهل هنر موسیقی پس از دوره مشروطه، مفاهیم نظری «میدان موسیقی» و «استقلال آن» کارگر و راه‌گشا بوده است.

نگارنده لازم می‌داند پیش از بیان مطالب اصلی این جستار نکاتی را به اختصار با خواننده در میان بگذارد. متن اصلی کتاب حاضر، طرح پیشنهادی (پروپوزال) دوره تحصیلات تکمیلی است که مواردی از آن، براساس مطالعه‌ای اولیه، گسترش پیدا کرده است. در بررسی بسیاری از موضوعات تاریخی دوره معاصر، مدارک مبسوطی در دسترس نیستند، از همین رو، نمی‌توان با جزئیات مناسب، رویدادهای این دوره و نگرش کنشگران موسیقی ایرانی را در حوزه‌های مختلف بررسی کرد، در نتیجه تعیین جایگاه جامعه‌شناختی آن‌ها هم دشوار

است. این نیز شایان یادآوری است که محقق دچار محدودیت‌های آشنای کسانی است که به خاطر میل به دانستن و دریافتن مسائلی دست به پژوهش می‌زنند که اولویت ملموس زندگی آن‌ها است، و بنابراین، به جای حساب سود و زیان، یکسره علاقه‌مند راه خویش می‌شوند. پرداختن و سخن گفتن از این محدودیت‌ها به گمان نگارنده دستورکار جامعه‌شناسی علم و معرفت است و روایت صرف مطالب کمتر راه‌گشاست. به هر حال، برخی از این محدودیت‌ها ممکن است در تعریف مواردی مانند میدان، جایگاه کنشگران در میدان و... اثر گذاشته باشد. مثل هر کردار علمی این نوشتار نیز داعیه به دست دادن تعریفی همه‌جانبه از میدان موسیقی ایرانی را ندارد. بدیهی است تکرار کردارهای علمی مشابه دید واقع‌بینانه‌تری را از میدان موسیقی ایرانی به وجود می‌آورد. به خاطر محدودیت تحقیق، در بسیاری از موارد ارجاعات مبسوط نیست و از منابع دست دوم برای تحلیل استفاده شده است. به خصوص این‌که، پژوهش‌بخش تحلیل‌های کلان اجتماعی به شیوه فراتحلیل است. خواننده آگاه به راحتی پی‌خواهد برد که هر کدام از نظریات مطرح در این پژوهش با الگوواره‌های فکری مختلفی پیوند دارند؛ به همین دلیل، کوشش شده است مواردی مطرح شوند که از مقبولیت کلی علمی برخوردارند تا از سوگیری‌های خاص نظری اجتناب شود. در هر صورت، باید اذعان کرد که ایده‌های مد نظر نگارنده، گاه بدون پرداختی که حاصل تعامل رفت و برگشتی بین داده‌ها و نظریه‌هاست، بیان شده‌اند. محدودیت‌های تحقیق نیز جزئی از کنش علمی است و مثل هر کنش علمی دیگر، جای‌گیری محقق در فضای کنش علمی جزئی از کنش علمی در نظر گرفته شده است. در این کتاب، با این‌که از سبک‌های دیگر موسیقی نیز یاد شده است، اما، تمرکز اصلی بر موسیقی ایرانی و رویدادهای خاص موسیقی شهر تهران است. در مواردی که از وضعیت سبک‌های موسیقی غیرایرانی یاد شده است، هدف ترسیم فضایی کامل‌تر برای وضعیت موسیقی ایرانی بوده است. از دل وضعیت اجتماعی موسیقی ایرانی هم، آن مواردی مد نظر بوده که در ترسیم «میدان» موسیقی ایرانی اثر «مستقیم» داشته است. برای مثال، فقدان حضور خاندان فراهانی در بررسی‌های کتاب را باید از این منظر دید. این کتاب، «جستاری جامعه‌شناختی» از پژوهش نویسنده درباره موسیقی ایرانی این دوره است که بر آن نیست دیدی ثابت و بدون تغییر را برای (تبیین جامعه‌شناختی)

موسیقی ایرانی ارائه کند. دسترسی به داده‌های بیشتر و غنی‌تر، و به مراتب بیش از این، مواجهه با نقد در حوزه عمومی جامعه‌شناسی موسیقی، قطعاً بر چنین پژوهش‌هایی اثر خواهد گذاشت و نگاه و نتیجه‌گیری حاکم بر آن را واقع‌بینانه‌تر و کاربردی‌تر خواهد کرد. اثر حاضر، با همه کم‌وکاستی‌ای که دارد، پژوهشی در حوزه «جامعه‌شناسی» است ولی مخاطب آن نه لزوماً جامعه‌شناسان بلکه هنرمندان هم هستند. بنابراین، شاید خالی از فایده نباشد که رابطه (گاه) بیرونی جامعه‌شناس با هنر (در این جا موسیقی) را با همدلی بیشتری مد نظر قرار دهیم. بخشی از نقدهایی که از بیرون رشته جامعه‌شناسی به جامعه‌شناسی موسیقی وارد می‌شود مربوط به هنرمندانی است که ماحصل کار جامعه‌شناسی هنر را تقلیل‌دهنده می‌پندارند. شاید هیچ چیز برای هنرمند از این گران‌تر نباشد که ماهیت کار او را با منافع اقتصادی و اجتماعی پیوند دهند. جامعه‌شناس مطرح آلمانی، نوربرت الیاس، در جواب این دسته از منتقدان چنین می‌گوید: «اغلب مردم جامعه‌شناسی را یک رشته تخریب‌کننده و تقلیل‌دهنده می‌پندارند. من موافق نیستم. جامعه‌شناسی، برای من، علمی است که باید به ما در فهم بهتر آنچه که در زندگی اجتماعی قابل فهم نیست کمک کند و آن را تبیین کند. ... هدف من تخریب نبوغ [هنرمند] یا تقلیل آن به چیزی دیگر نیست، بلکه می‌خواهم وضعیت انسانی آن را فهمیدنی‌تر کنم و شاید سهم ناچیزی در پاسخ به این پرسش ایفا کنم که برای جلوگیری از تکرار تقدیر هنرمندانی همچون موتسارت چه باید کرد» (Elias, 1993, p. 14). موضع نگارنده نیز چنین است. از نظر نگارنده آسیب‌شناسی اجتماعی فعالیت هنری میسر نمی‌شود مگر این که آن را در کلیت اجتماعی‌اش (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در نظر بگیریم. خواننده می‌تواند نیمه خالی لیوان را که می‌پندارد تقلیل‌دهنده است ببیند، یا نیمه پر آن را که به ما کمک می‌کند با تلاش برای فهم فعالیت‌های هنری از آن آسیب‌زدایی کنیم.

فصول کتاب حاضر از سه بخش کلی تشکیل شده است. در بخش اول، برای فراهم آوردن بستر تحلیل جامعه‌شناختی، کلیات اجتماعی در هر دوره بررسی شده‌اند. در بخش دوم، با نگاهی کلی به شرایط اجتماعی و جامعه‌شناختی هنرمندان تلاش شده است وضعیت هنرمندان موسیقی در بستر کلیات اجتماعی آن مد نظر قرار گیرد تا بدین ترتیب، ضمن یادآوری شرایط اجتماعی هنرمندان

زمینه برای بخش اصلی کتاب، یعنی بخش سوم، فراهم شود. در بخش سه، میدان موسیقی اجتماعی معرفی و سرگذشت جامعه‌شناختی آن طی دوره بین دو انقلاب بررسی می‌شود. چارچوب نظری اصلی در پژوهش حاضر برگرفته از نظریات پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، است که البته در این پژوهش صرفاً به الگوی نظری او اکتفا نشده است، ولی با این حال، به دلیل این که شاید مخاطب کتاب با نظریات او آشنا نباشد و یا کنجکاو باشد تا درباره او بیشتر بداند، ضمیمه‌ای به کتاب افزوده شده است. این ضمیمه ترجمه‌ای خلاصه و آزاد از فصل اول کتاب «An introduction to the work of Pierre Bourdieu» است که با این که ظرایف نظریه میدان بوردیو را به طور کامل بیان نمی‌کند، اما، برای خواننده ناآشنا با نظریه بوردیو، شروع مناسبی است. این پژوهش حاصل تعامل نظریه و داده‌های تجربی است، با این حال، قصد کتاب حاضر شرح نظری این تعامل و چالش‌های آن نیست.

بهار ۱۳۹۲